گفت‌وگوی صبح صادق با فرزندان سردار شهید حاج‌محمد ناظری

فرمانده‌ای که بهترین پدر بود

سیدمحمد مشکوه‌الممالک

شهید ناظری فرمانده‌ای مؤمن، متعهد و ولایتمدار بود که در دوران فرماندهی از بدو پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون نیروهای زیادی را آموزش داد. فرماندهی اولین یگان مأمور در اسکورت و تأمین امنیت کشتی‌های تجاری در آب‌های بین‌المللی خلیج عدن و اقیانوس هند از جمله اقدامات وی به شمار می‌رود.

به منزل این سردار رشید اسلام رفتیم تا گفت‌وگویی را با خانواده ایشـــان ترتیب دهیم، اما با صحنه عجیبی روبه‌رو شـــدیم؛ در منزل شهید حدود۴۰ نفر از تکاوران نیروی دریایی بودند؛ همگی جوان و چالاک. وقتی سراغ پسر شهید را گرفتیم، همه آنها خود را پسر شهید معرفی کردنـــد، هرچند که خانواده محترم شـــهید نیز بر این امر صحه گذاشـــته و تأیید کردند که اینها همه فرزندان شهید ناظری هستند و فرمانده به واقع خود را پدر اینها می‌دانست. از سویی این فرزندان چنان راحتی و انسی در منزل پدر داشتند که ملموس و قابل باور بود. گفت‌وگوی زیر حاصل شبی با فرزندان شهید ناظری است.

*حاجی بهترین پدر دنیا بود

دانیال ناظری، فرزند حقیقی سردار شهید حاج‌محمد ناظری می‌گوید: حاجی خلقیات خاصی داشت، یکی از آنها این بود که همیشه ما را در انتخاب آزاد می‌گذاشت، با اینکه نظامی بود هیچ وقـــت به ما زور نمی‌گفت، یا ما را وادار به انجام کاری نمی‌کرد. در انتخاب رشته، انتخاب شغل و هر کاری که می‌خواستم انجام بدهم، هیچ اجباری از طرف حاجی وجود نداشت. من از حاجی راهنمایی می‌خواســـتم حاجی هم من را راهنمایی می‌کرد، اما هیچ وقت نظر خودش را تحمیل نمی‌کرد.

یکی از ویژگی‌های خوب پدرم این بود که هیچ وقت مسائل کاری و مشکلات بیرون از خانه را با خود به خانه نمی‌آورد. حاجی بهتریـــن پدر دنیا بود؛ هم بـــرای من، هم برای همه نیروهایش که مثل پســـرهای حاجی بودند. من خودم را یکی از پسرهای حاجی می‌دانم، تنها فرقی که من با بقیه پسرهای حاجی دارم این است که اسم فامیل من با اسم فامیل حاجی یکی بود. من از همه برادرهایم تشـــکر می‌کنم که آن وقت‌هایی که من پیش حاجی نبودم بهتر از من برای حاجی پسری کردند و هیچ وقت پدرم را تنها نگذاشتند.

درباره روز شهادت حاجی باید بگویم. آن روز من بعد از کار به خانه آمدم، شب شد ساعت یک نصف شب بود، می‌خواستم بخوابم. یکی از بچه‌هایی که همیشـــه بـــا حاجی بود، زنگ زد گفـــت دوباره حال حاجی به هم خورده، اگر می‌توانی خودت را به بندرلنگه برســـان، من شروع کردم پیگیری و جست‌وجو در اینترنت که بلیط پرواز جور کنم و خودم را به لنگه برســـانم، تا ســـاعت پنج صبح هیچ پروازی را پیدا نکردم. بعد از نماز صبح راهی فرودگاه شـــدم، توی راه فرودگاه به من زنگ زدند گفتند شـــما بیا بندر، حاجی را به بندر منتقل کردند توی راه بودم که پیامکی به من دادند با این مضمون که «انا لله و انا الیه راجعون دانیال جان! تسلیت می‌گویم.» آن موقع بود که فهمیدم حاجی آسمانی شده است.

* ما با حاج‌آقا زندگی کردیم

محمد شـــریف‌نیا از نیروهای شهید ناظری هم می‌گوید: «تمام هـــمّ و غم حاج‌آقا مربوط به جوان‌ها و بســـیجی‌ها بود، حاج‌آقا تمام وجود خود را وقف بسیجی‌ها کرده بود. حتی قبل از تشـــکیل یگان و پاگرفتن جزیره هم حاج‌آقا با بسیجی‌ها کار می‌کردند، برای بسیجی‌ها دوره‌ها و کلاس‌های مختلف آموزش ماننـــد اردوهای تاکتیکی می‌گذاشـــتند و بچه‌ها در این اردوها شرکت می‌کردند. ایشان حتی بسیجی‌ها را برای کوهنوردی آماده می‌کردند. حاج‌آقا خیلی با بچه‌ها مانوس بودند به جرئت می‌توانم بگویم آن قدری که حاج‌آقا به فکر بچه‌ها بودند شاید پدر و مادر بچه‌ها به فکر آنها نبودند. حاج‌آقا به واسطه کارهایی که کردند و مأموریت‌های مهم و حساسی که به عهده بچه‌ها گذاشتند به آنها عزت و آبرو دادند و باعث سربلندی بچه‌ها در خانه و محله‌شان شـــدند. ما بیشتر اوقات زندگی‌مان را کنار حاج‌آقا گذراندیم. در واقع، حاج‌آقا ما را بزرگ کرد و ما ایشان را پیر کردیم، شهادت حاج‌آقا ما را یتیم کرد این حس تمام بچه‌ها است.

حاج‌محمد ناظری می‌توانست به کلمه سردار معنا ببخشد، بسیار بی‌تکلّف و ساده بود و اگر قرار بود به حاج‌آقا مدال یا نشانی بدهند باید تمام سینه حاج‌آقا از مدال و نشان پوشیده می‌شد. در اتاق حاج‌آقا به دور از همه تشریفات، به روی همه باز بود، هر کسی که می‌خواست ایشان را ببیند بدون هیچ مشکلی به ایشان دسترسی پیدا می‌کرد و به راحتی می‌توانست ایشان را ببیند.

دو شب قبل از اینکه حاج‌آقا به رحمت خدا برود ما با هم در یک عروسی شرکت کرده بودیم، حاج‌آقا اصلاً اجازه نمی‌داد کسی دست‌شـــان را ببوسد، من هم بارها برای بوسیدن دست حاجی اقدام کرده بودم، اما ایشـــان دست‌شان را عقب می‌کشیدند. در عروسی بچه‌ها دور حاجی جمع شده بودند که عکس بگیرند، در همین حین بود که من محکم دست حاجی را گرفتم و بوسیدم. بعد از شـــهادت حاجی مرور این اتفاق کمی من را آرام می‌کند که بالاخره توانستم دست حاجی را ببوسم.

در ماجرای دســـتگیری آمریکایی‌ها حاج‌آقا نقش بسزایی داشتند، حاج‌آقا تمام زمان کاری خود را در جزیره سپری می‌کردند. در اصل خانه و زندگی حاج‌آقا همان جزیره بود، حتی یک بار به یاد دارم فردی از حاج‌آقا پرســـیده بود این جزیره بومی هم دارد، حاجی گفته بود بله چهار تا آهو و من بومی این جزیره هستیم، نظر حاج‌آقا این بود که هر روز صبح که آمریکایی‌ها چشم‌شان را در خلیج‌فارس باز می‌کنند باید ببینند که من در این جزیره هستم.»

*حاج‌محمد خستگی‌ناپذیر بود

یکـــی دیگـــر از فرزنـــدان حاج‌محمد ناظـــری می‌گوید: «حاج‌محمد به قدری با نیروهایش صمیمی بود که بچه‌ها به عشق او در آن شرایط سخت سه ماه و چهار ماه در جزیره می‌ماندند، حاج‌محمد جزو معدود فرماندهانی بود که به نیروهایش می‌گفت شـــما بروید من می‌مانم و آنقدر در جزیره می‌ماند که هر کس می‌خواست ایشان را ببیند باید به جزیره می‌رفت. او به تمام معنا الگوی نیروها بود و خستگی‌ناپذیری از ویژگی‌های بارز وی بود.

حاج‌محمد بـــرای درجه اهمیت زیـــادی قائل نبود، فقط برای مراســـمات رســـمی و میهمان‌هایی که می‌آمدند از درجه استفاده می‌کرد.

حاج‌محمد توانسته بود رفاقت با همرزمانش در تمام سطوح را با ضابطه‌مندی ترکیب کند، به این معنا که همه کســـانی که بـــا حاجی کار می‌کردند در عین حالی که احســـاس می‌کردند فرمانده‌شـــان مانند یک رفیق صمیمی؛ اســـت اما مقید بودند کـــه ضوابط را عیناً رعایت کنند. نظـــم و انضباط، دقت در کار، حساسیت و تعهد به کار در وجود همه نیروهای حاج‌محمد بود. این ضابطه‌مندی با تحکم از طرف مسئول بالاتر ایجاد نشده بود بلکـــه؛ با روح برادری و بـــا این بلوغ فکری در همه افراد که باید مسئولیت‌پذیر باشند صورت گرفته بود. تمام نیروهای حاج‌محمد به این رشـــد رسیده بودند که از روحیه رفاقت و برادری حاجی سوءاســـتفاده نکنند، همه می‌دانستند که حاج‌محمد به ضوابط مقید است و همه باید ضوابط را رعایت کنند. جمع کردن این دو مطلب کار هر کسی نیست، کسانی که با تحکّم رفتار می‌کنند، یا کسانی که بی‌حساب و کتاب عمل می‌کنند معمولاً هر دو ناموفقند. حاج‌محمد رفاقت و ضابطه‌مندی را با هم ترکیب کرده بود.»

* محبت حاجی بچه‌ها را پابند کرده بود

ســـعید شـــاهین‌فر یکی دیگر از نیروهای تحت امر شهید ناظری می‌گوید: «ســـال ۸۶ بود، که حاج‌محمد بچه‌های بسیج را برای آموزش به جزیره می‌برد. یکی از پاســـدارها به نام آقای سالاری به بچه‌ها آموزش غواصی می‌داد، حاج‌محمد هم در قایق بودند و کنار ما می‌آمدند، ایشان در آن هوای گرم لباس نظامی کامل حتی دستمال گردن و جلیقه هم پوشیده بودند. رفتم کنار قایق حاجی و گفتم شـــما در این هوای گرم و زیر آفتاب با این همه لباس، اذیت نمی‌شوید؟ گفت پسرم تو هنوز خیلی بچه‌ای آنقدر باید ســـرد و گرم بچشی تا پخته بشی، از آن زمان حرف حاج‌محمد در ذهن من ماند و مثل گوشواره‌ای آویزه گوشم شد.

هنر حاج‌محمد این بود که با دل نیروهایش سروکار داشت. علاقه بچه‌ها به حاجی برای فرماندهی حاجی نبود، محبت ایشان بچه‌ها را پابند حاجی می‌کرد.

حاج‌محمد کار در جزیره را از صفر شروع کرد، هیچ امکاناتی وجود نداشـــت عکس‌ها و اسناد آن زمان موجود است بچه‌ها به همـــراه حاج‌محمد با جان و دل کار می‌کردند. حاجی با بچه‌ها کاری کـــرده بود که همه پابند کار شـــده بودند، حاج‌محمد با شکل ظاهری افراد کاری نداشت، طوری با بچه‌ها رفتار می‌کرد که بچه‌ها جذب حاجی و کار حاجی می‌شدند.

در نیروهای حاج‌محمد از همه نسل‌ها وجود دارند، حاجی ۳۷ سال در سپاه خدمت کرد، شاید طی سال یک ماه هم در کنار خانواده نبود. بسیاری از بزرگان سپاه خود را شاگرد حاج‌محمد می‌دانند، حتی حاج‌قاسم سلیمانی هم می‌گفت که من در سال ۵۸ شاگرد حاج‌محمد بودم.

در رزمایش قبلی که انجام شد یک شب ما در بندرعباس در مقرّمان بودیم، ساعت حدود ۲ یا ۳ نصف شب بود حاج‌محمد من و چند نفر از بچه‌ها را بیدار کرد، به مهمان‌سرا رفتیم و نشستیم حاج‌محمد گفت حاجی علی (سردار فدوی) به من گفته بچه‌ها را آماده کنید، فردا باید به سوریه برویم، حاجی لیست بچه‌ها را به ما داد و قرار شد ما زنگ بزنیم و بچه‌ها را برای رفتن خبر کنیم. ما ساعت ۳ نصف شب تا ۵ صبح زنگ زدیم نزدیک ۲۰۰ نفر نیرو آماده حرکت شد و تا پای کار هم رفتیم، اما برنامه کنسل شد. در واقع منظور بنده این است که وقتی حاجی چیزی می‌گفت همه می‌آمدند، کسی سؤال نمی‌کرد.

حاج‌قاسم ســـلیمانی درباره ایشان گفتند از اول انقلاب تا امروز کمتر کسی را می‌توان پیدا کرد که تمام زندگی‌اش در این خط باشـــد و از راه انقلاب انحرافی پیدا نکرده باشد. حاج‌محمد ناظری هیچ حاشیه‌ای نداشت، ۳۷ سال به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران خدمت کرد، بدون اینکه ذره‌ای انحراف پیدا کند.»

* همیشه به فکر بچه‌ها بود

یکی دیگر از نیروهای حاج‌محمد ناظری سیدروح‌الله ایمانی است. او می‌گوید: «شـــهید ناظری ویژگی‌های منحصربه‌فردی داشـــتند و همین ویژگی‌ها سبب می‌شد بچه‌ها عاشق حاج‌آقا شـــوند، من همیشه ایشان را به آهن‌ربا تشبیه می‌کردم، امکان نداشت کسی یک هفته با حاج‌آقا همنشین شود و عاشق ایشان نشـــود. در مراسم ختم حاج‌آقا بچه‌هایی که در مسابقه فرمانده شرکت کرده بودند طوری گریه می‌کردند که انگار نزدیک‌ترین فرد خود را از دســـت داده‌اند، در حالی که شاید این بچه‌ها یک هفته در جزیره همراه حاج‌آقا بودند، همه بچه‌ها ایشان را از جان و دل دوست داشتند.

معمولاً کسی که در جایگاه فرماندهی قرار دارد به نیروها دستور می‌دهد و نیروها کارها را انجام می‌دهند، اما حاج‌محمد ناظری تا لحظه آخر در سخت‌ترین و خطرناک‌ترین مأموریت‌ها همیشـــه اولین نفر بود و همه نیروهایـــش را مانند فرزندانش دوست داشت. همیشه به ما می‌گفت شما برای من مثل دانیالم هستید. با وجودی که افراد زیادی کنار حاج‌آقا بودند، اما حاج‌آقا از مشـــکلات تک‌تک بچه‌ها خبر داشت، حتی بعد از چند سال که یکی از بچه‌ها را می‌دید هنوز به خاطر داشـــت که قبلاً چه مشکلی داشته و درباره مشکلش از او می‌پرسید.

حاج‌محمد در حین کار دائم به فکر ســـلامت بچه‌ها بود و مانند پدری که فرزند خود را برای کاری می‌فرستد با بچه‌ها رفتار می‌کرد. همیشه نگران سلامتی آنها بود و مراقب بود که اتفاقی برای کســـی نیفتد، آنقدر نگران بچه‌ها بود که شب‌ها خوابش نمی‌بـــرد، من بارها این صحنه را دیـــده بودم که حاج‌محمد از نگرانی بچه‌ها نمی‌توانست بخوابد.

حاج‌محمد به هیچ کس اجازه نمی‌داد که از روی ظاهر افراد درباره آنها قضاوت کنند و نمی‌گذاشت که به دلیل شکل و شمایل ظاهری کسی را کنار بگذاریم، یک‌بار که من می‌خواستم چنین کاری را انجام بدهم حاجی اجازه ندادند. به من می‌گفت تو هنوز بچه‌ای نمی‌دانی این بچه‌ها جوان‌های همین مملکت هســـتند، همین بچه‌ها هستند که در کار این کشور به درد می‌خورند، اگر هم این طور نباشد هنر این است که این بچه‌ها را جذب کنید.

من فکر نمی‌کنم که کار حاج‌آقا روی زمین بماند و در نبود حاجی تعطیل شود، البته ممکن است در مواردی خلل ایجاد شود؛ اما با درس‌هایی که حاج‌آقا به نیروهایش آموخت، قطعاً راه ایشان ادامه خواهد داشت. فراموش نمی‌کنم روزهای اولی را که شهید ناظری به ما می‌گفتند بچه‌ها اگر آمدید یک چیزی یاد بگیرید و بروید اشتباه می‌کنید، شما باید یک چیزی یاد بگیرید تا بتوانید به دیگران هم یاد بدهید، حاج‌آقا به نیروهایش آموخت که این کار باید همیشه ادامه پیدا کند و همین طور هم خواهد بود.

جمله‌ای از شهید همت نقل می‌کنند و آن، این است که هر قدر در آموزش نیروها عرق بیشتری ریخته شود، به همان نسبت خون کمتری ریخته می‌شـــود. یک جمله هم من از حاج‌محمد شنیدم که به بچه‌ها می‌گفت؛ «ما خون دادیم تا یاد گرفتیم، شما یاد بگیرید که خون ندهید.» حاج‌محمد دلسوز و نگران بچه‌ها بود.

در یکی از رزمایش‌ها کتف من آسیب دید، یک روز که در حین تمرینات حاجی متوجه شد کتف من درد می‌کند ماشین را روشـــن کرد و به من گفت بنشین با تو کار دارم، من را تا دم در بیمارستان صاحب‌الزمان(عج) بندرعباس برد و به من گفت هر وقت کارت در بیمارستان تمام شد به من زنگ بزن خود بیایم دنبالت. آن روز من خیلی شرمنده محبت حاج‌محمد شدم هیچ وقت این خاطره شیرین مهربانی حاجی را فراموش نمی‌کنم.

قرار بود یکی از رزمایش‌ها در کویرهای ورامین انجام شود، کار بزرگـــی بود نیروهای زیادی برای انجام رزمایش آمده بودند ما شبانه حرکت کردیم که برای انفجارهای روز بعد مواد منفجره کار بگذاریم. در همین حین بچه‌های محیط زیست رسیدند، اکثر قدیمی‌های محیط زیست حاج‌محمد را می‌شناختند، کسانی که از محیط زیســـت آمده بودند گفتند چون آب کم است و امکان تلف شـــدن حیوانات از گرمای شدید تابستان وجود دارد ما در این منطقه آبخوری مخصوص حیوانات درست کردیم اگر شما فـــردا در این منطقه انفجار انجام دهید حیوانات می‌ترســـند و ســـمت آبخوری‌ها نمی‌آیند و امکان تلف شدن حیوانات وجود دارد حاج‌محمد که این جریان را شنید رزمایش را کنسل کرد و به منطقه دیگری انتقال داد.»

صبح‌صادق مطالبات و انتظارات رهبری و مردم از مجلس شورای اسلامی را بررسی می‌کند

فوریت‌های مجلس دهم

ادامه از صفحه ۶

در مجموع، همکاری حقیقی و صمیمی با قوای دیگر و پرهیز از چالش‌های ناموجه، اعمال نظارت قانونی، نهادینه ساختن پاسخگویی در دیگر قوا، تفاهم با شورای نگهبان، پیروی از فرامین و رهنمودهای رهبری معظم انقلاب اسلامی، اهم انتظاراتی است که مجلس دهم باید آنها را برآورده سازد. متقابلاً دولت باید مجلس قانون‌گذاری را راهنمای عمل خود بداند و به قوانین مجلس، یکســـره پایبند باشد و از آن تخلف نکند.

فوریت‌های مجلس دهم

پیام رهبر حکیم انقلاب اسلامی به مناسبت آغاز به کار مجلس دهم که در صحن علنی مجلس قرائت شد نیز به طور ویژه دو فوریت را برای مجلسیان تعیین کرده است. معظم‌له با تأکید بر آنکه شناخت اولویت‌های کشور از مهم‌ترین وظایف نمایندگان است، از دو اولویت فوری کشور چنین یاد کردند: «تحقق بخشیدن به اقتصاد مقاوم با همه الزامات قطعی آن و نیز تلاش مجدّانه برای گسترش و ژرف‌سازی فرهنگ اسلامی، دو اولویت فوری کنونی است.»

این دو موضوع فوریت‌هایی است که مدت‌هاست رهبر فرزانه انقلاب اسلامی رصد کرده‌اند و در فرصت‌های مختلف به مسئولان ذی‌ربط گوشزد شده است. مجلس دهم نیز که در آغاز راه است باید با تمام توان و انرژی خیلی زود سوار بر کار شده و وظیفه خطیر برشمرده را پیگیری کند.

الف. فوریت فرهنگ

یاد کردن از فرهنگ به عنوان یکی از دو فوریت مجلس دهم و به کارگیری تعبیر «تلاش مجدانه برای گسترش و ژرف‌سازی فرهنگ اسلامی» حکایت از دغدغه‌هایی دارد که رهبر معظم انقلاب اسلامی مدت‌هاست پس از رصد وضعیت کشـــور به آن توجه دارند. معظم‌له در طول سال‌های اخیر از حرکت در مسیر ساختن تمدن اســـلامی به‌مثابه دکترین اصلی نظام اسلامی یاد کرده‌اند و در ادامه با تأکید بر موضوع ســـبک زندگی اسلامی ـ ایرانی، بر ضرورت طرح‌ریزی شاخصه‌های سبک زندگی تأکید ورزیده‌اند.

بی‌شک تعبیر «جهاد کبیر» که این روزها مورد تأکید ایشان قرار دارد نیز بیش از هر عرصه دیگری در عرصه باورها و فرهنگ قرار می‌گیرد. ریشـــه‌های نفوذ را نیز باید در ضعف‌های فرهنگی جســـت‌وجو کرد. جامعه‌ای که با هویتی مستقل و نفوذناپذیر وارد میدان‌های مختلفی سیاسی ـ اقتصادی شود، به یقین پیروز و ســـربلند بیرون خواهد آمد. این نیروی مقوّم همان نیرویی است که در عرصه جنگ نرم دشمن به مهم‌ترین رکن تهاجم بدل شده است. به واقع، وظیفه مصون‌سازی جامعه در برابر نفوذ تردید در قلب‌ها و ذهن‌های متولیان فرهنگی با محوریت قرار دادن سلاح روشنگری و تبیین می‌تواند پیروزی نبردی بزرگ باشد.

در این میان، ضعف‌های قانونی بســـیاری وجود دارد که مجلس با اولویت دادن به موضوع فرهنگ باید برای آن چاره‌سازی کند. در حقیقت مجلس باید با وضع قانون به مهم‌ترین پشتوانه متولیان اصلی فرهنگ بدل شود.

ب. فوریت اقتصاد

با نهایی شـــدن ترکیب نمایندگان دوره دهم مجلس شـــورای اسلامی و شکل‌گیری ساختار آن، نمایندگان مجلس در حوزه اقتصاد وظایف و رسالت‌های بسیار خطیری در این دوره نمایندگی دارند. از آنجا که دولت یازدهم، از زمان روی کار آمدن، سیاست‌های پولی انقباضی را در دستور کار قرار داد و توامان با کاهش درآمدهای نفتی، یکی از شدیدترین و طولانی‌ترین رکودهای اقتصادی در تاریخ ایران را رقم زد. گزارش‌های رســـمی نهادهایی همچون بانک مرکزی نیز حاکی از استمرار شرایط رکودی در کشور است و اجرای سیاست‌های بسته خروج از رکود نیز تأثیر چندانی بر رونق اقتصادی نداشـــته است. بر این اساس تمام فعالیت‌های مجلس دهم باید در مسیری باشد که بتواند اقتصاد را از رکود خارج و رونق پایدار را ایجاد کند. این وظیفه اصلی و اولویت‌دار مجلس اســـت که این مأموریت را با همراهی و هماهنگی دولت انجام دهد. علاوه بر این باید هماهنگی میان ســـه قوه و تمام نهادها به حداکثر برسد تا برنامه‌های مرتبط با خروج از رکود با ســـرعت و دقت بیشتری اجرایی شود. با توجه به اینکه دولت بخش عمده‌ای از مسیر مهار تورم را طی کرده، در این مدت باید بر روی مقابله با رکود و ایجاد رونق اقتصادی تمرکز کند. در این بخش اولویت اصلی باید تولید و افزایش اشتغال باشد که لازمه رسیدن به آنها حفظ ثبات اقتصادی است که از طریق بهبود فضای کسب‌وکار و جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی ممکن می‌شود. مضافاً چون ۳۰ درصد قوانین مصوب مجلس نهم در بخش اقتصادی بوده به همین دلیل در موضوع قوانین، فقط باید برخی از قوانین معارض با اقتصاد مقاومتی را با فوریت اصلاح کنند و در سایر حوزه‌ها هیچ مشکل قانونی نداریم، مشکل از اقدام و عمل است که لازم است ورود نمایندگان مجلس، به ویژه در بعد نظارتی بیشتر شود. متأسفانه در فرایند چند سال گذشته کارآمدی و کارکرد دولت در حوزه اقتصاد، معمولاً در عدد و رقم خلاصه می‌شود و ما گشایشی در زندگی روزمره مردم نمی‌بینیم. مجلس دهم باید با پیگیری و مطالبه ۱۰ راهکار رهبر معظم انقلاب در بیانات آغاز سال ۹۵ در حرم مطهر رضوی در حوزه اقدام و عمل از رئیس‌جمهور بخواهد که به ریل اصلی حل مشکلات اقتصادی برگردد و روی فعالیت‌ها و زنجیره‌های اقتصادی مزیت‌دار کشور متمرکز شود این روزها عملکرد اقتصادی دولت به نوعی جزء سؤالات محافل و رسانه‌های گوناگون است و وعده‌هـــای اعلامی دولت، به ویژه ۱۵۰ وعده اقتصادی که در زمان تبلیغات انتخاباتی مطرح کرده بود، شـــدیداً در افکار عمومی زیر ســـؤال است. مجلس دهم بدون ملاحظات سیاسی و جریانی با هر ترکیبی باید به دولت کمک کند تا از زیر بار وضعیت ســـنگین رکود خارج شود. در یک جمله مجدداً تأکید می شـــود نمایندگان باید با در نظر گرفتن مطالبات رهبری در بخش اقتصادی، به ویژه اقتصاد مقاومتی، قانون اساســـی و برنامه توسعه به دنبال مطالبات مردم و سامان بخشیدن به وضع اقتصادی کشور باشند. هر نماینده باید احساس کند مطابق سوگندی که می‌خورد، نماینده کل ملت ایران است و در برابر ملت باید پاسخگو باشد. صاحب نظران اقتصادی معتقدند مجلس دهم و نحوه فعالیت‌های آن نقش مهمی در چگونگی و سرعت رشد و شکوفایی اقتصاد ایران دارد؛ چراکه هم‌اکنون اقتصاد ایران با رکود سنگین دست‌وپنجه نرم می‌کند و از آن سو در حال اجرای برجام هســـتیم، پس در مرحله حساسی قرار داریم که عبور از این مرحله به مشارکت و همراهی سه‌قوا نیازمند است. بر همین اساس از نگاه تمام کارشناســـان همراهی و هماهنگی با دولـــت یکی از الزامات مجلس آینده ذکر می‌شود و در این راستا اولویت دادن به منافع ملی باید در دستور کار دولتی‌ها و مجلســـی‌ها باشد تا با تصمیم‌گیری صحیح و صرف کمترین هزینه از مرحله حساس و ویژه که گذار سختی است با آرامش عبور کنیم.